

سه دهه حاکمیت نظام ارزی چندنرخ‌ی گره کور ارزی ایجاد کرده و حالا دومین وزیر اقتصاد دولت چهاردهم نیز از برنامه دولت برای تک نرخی شدن ارز می گوید؛ چرخه معیوبی که تاکنون تک نرخی سازی را به یک سراب تبدیل کرده است.

■ ■ ■

دومین وزیر اقتصاد دولت چهاردهم نیز در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی حاضر شد و همچون همای قبلی اش از برنامه وزارت اقتصاد برای تک نرخی شدن ارز خبر داد؛ مسیری که پیش تر افسار دلار را پاره و عبدالناصر همتی را به استیضاح کشاند. سیدعلی مدنی زاده، روز دوشنبه در حاشیه جلسه شورای گفت‌وگو با بخش خصوصی با اشاره به مشکلات قانون مبارزه با قاچاق به سمت تک نرخی سازی یاد کرد و گفت: با این روندی که به پیش گرفته شده، به احتمال بنابر این باید این قانون را اصلاح کرد. او افزود: ما تلاش می کنیم تغییراتی به وجود بیاوریم که بازار ارز یک نرخ داشته باشد و بانک مرکزی بتواند آن را در چارچوب سیاست شناور مدیریت شده کنترل کند تا افزایش نرخ ارز به صورت جهشی نباشد و اقتصاد ثبات پیدا کند. وزیر جوان به شدت به سیاست‌های ارزی واکنش نشان داد و گفت: در بازار ارز یک سخن نادرست گفته شده و بعد از آن، دولت‌ها نخواستند خطای خود را بپذیرند و بنابر این یک روز نیمان و یک روز سنا و یک روز تالار دوم را مطرح کرده‌اند که همه اینها ناشی از آن است که حقایق اقتصادی پذیرفته نشده است.

■ شکست سیاست ارز تک نرخی در دولت‌های مختلف
وعدۀ تک نرخی شدن ارز در حالی مطرح می شود که پیش تر نیز نخستین وزیر اقتصاد دولت چهاردهم تلاش‌هایی مشابه داشت که به شکست انجامید. عبدالناصر همتی در دی ۱۴۰۳ در کمیسیون اقتصادی مجلس تأکید کرد ارز باید شناور مدیریت شده و تک نرخی باشد، چراکه وجود چند نرخ هم زمان امکان پذیر نیست. اما آخرین تجربه تک نرخی سازی در دولت چهاردهم تا کام ماند و با راه اندازی بازار توافقی و کشف نرخ جدید در محدوده ۶۵ هزار تومان، فاصله ۲۰ تا ۳۰ درصدی میان بازار آزاد و نرخ

رسمی مجدداً بازگشت.

تجربه تک نرخی سازی ارز در دولت سیزدهم نیز نتیجه متفاوتی با تجربه تک نرخی سازی دولت چهاردهم نداشت. زمانی که سیاستگذاری اقتصادی سعی داشت با حذف ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومانی، نرخ ارز رسمی را بانرخ ارز غیر رسمی در حدود ۲۵ هزار تومان تک نرخی کند، این در حالی است که نرخ غیررسمی به سرعت جهش کرد و پروژه تک نرخی سازی شکست خورد.

■ حاکمیت ارز ۳ نرخی

نظام حاکمیت ارزی فعلی سه نرخی شامل نرخ ارز ترجیحی کالا‌های اساسی، نرخ ارز ترجیحی کالا‌های تجاری و نرخ بازار آزاد است. نرخ ارز ترجیحی کالا‌های اساسی در دو سال گذشته در رقم ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تثبیت و حدود ۲۰ درصد از نیاز ارزی کشور در تالار ارز ترجیحی بانک مرکزی تأمین از می شود. طبق آمار‌های بانک مرکزی، حدود ۱۴۲ میلیارد دلار برای واردات کالا‌های اساسی و دارو در سال ۱۴۰۳ تأمین ارز صورت گرفته است. از طرفی، بیش از ۴۸ میلیارد دلار کالای اساسی و دارو از ابتدای سال جاری تا ۱۷ مردادماه وارد کشور شده است. نرخ ارز ترجیحی کالا‌های تجاری در مرکز مبادله هم در محدوده ۶۷هزار تا ۶۹هزار تومان است. نرخ مرکز مبادله ارز و طلای ایران با میانگین سهم ۷۰ تا ۷۵درصدی از کل تقاضای ارز کشور است. تخصیص ارز در این تالار بر اساس سرفصل‌های ارز خدماتی مصوبه بانک مرکزی شامل ارز مسافرتی، درمانی، دانشجویی، ورزشی، شرکت‌های هواپیمایی و... صورت می گیرد.

نرخ دیگر نیز نرخ بازار آزاد است که اگرچه بازاری کوچک است اما مصای بلندی دارد. سهم نرخ بازار آزاد از کل ارز کشور میانگین ۵ تا ۱۰ درصد است. نرخ ارز بازار آزاد ابتدای فروردین ۱۴۰۴ از ۱۰۰ هزار تومان عبور و هم اکنون در محدوده ۹۴ هزار تومان قرار دارد.

■ از استدلال مدافعان تا واقعیت شرایط موجود
استدلال اصلی مدافعان افزایش نرخ رسمی این است که وقتی ارز آزاد بالاتر است، صادرکنندگان انگیزه‌ای برای عرضه ارز در نرخ رسمی ندارند و آن را در بازار آزاد می فروشند، بنابر این با نزدیک کردن نرخ رسمی به آزاد، عرضه افزایش یافته و در نهایت بازار به تعادل می رسد.

طهماسب مظاهری، رئیس کل اسبق بانک مرکزی در یک گفت‌وگوی رادیویی تک نرخی شدن ارز را یک ضرورت دانست و گفت تا زمانی که اجرا نشود، فساد، رانت و مفاسد اقتصادی در کشور ادامه خواهد داشت. وی با اشاره به تجربه موفق دولت اصلاحات در تحقق این سیاست افزود: در آن دوره، تک نرخی شدن ارز باعث کاهش تورم، رشد سرمایه گذاری و رونق تولید شد. این مسیر اکنون نیز در دولت چهاردهم قابل تکرار است مشروط بر اینکه تصمیمات جبرانی برای پیامدهای منفی احتمالی آن در نظر گرفته شود.

مظاهری تصریح کرد: هیچ مانع قانونی در مسیر این

کارشناسان درباره شرایط تک نرخی شدن ارز تردید دارند

گره کور ارز بازمی شود؟



رسانه‌های جوان

سیاست وجود ندارد و اگر هم باشد، با یک لایحه ساده قابل اصلاح است. مشکل اصلی گردن کلفت‌هایی هستند که از چندنرخی بودن ارز سود می برند. با این حال بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر چه تک نرخی شدن ارز ضرورتی اجتناب ناپذیر برای پایان دادن به فساد و رانت است، اما از سوی دیگر بدون در نظر گرفتن حمایت‌های معیشتی و جبرانی می تواند آثار مخربی بر زندگی اقشار آسیب پذیر داشته باشد. واقعیت این است که در شرایط کنونی، هر چقدر نرخ رسمی افزایش یابد، بازار غیر رسمی با کوچک ترین شوکی باز هم بالاتر می رود و فاصله جدیدی ایجاد می شود. نتیجه آنکه سیاستگذار ناگزیر از تثبیت یک

نرخ رسمی تازه است؛ روندی که عملاً تک نرخی سازی را با ناکامی مواجه کرده است.

میثم موسایی، کارشناس مسائل اقتصادی در رابطه با آثار مثبت تک نرخی شدن ارز گفت: تک نرخی شدن ارز به صورت قطعی از رانت جلوگیری می کند، چرا که دلیل اصلی رانت در کشور ما همین تفاوت نرخ ارز و چند نرخی بودن آن است. این تفاوت‌ها برای یک عده سفره‌ای باز می کند که از این تفاوت‌ها استفاده کنند. اگر اقتصاد ایران شرایط این را داشت که سیاست تک نرخی را اعمال کند، قطعاً جلوی رانت نرخ ارز گرفته می شد و هیچ تردیدی در ایجاد می شود. نتیجه آنکه سیاستگذار ناگزیر از تثبیت یک

گفت‌وگوی «جوان» با حسینعلی حاجی دلیگانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

سیاست‌های نامناسب شورای عالی شهر سازی عامل اصلی گرانی مسکن است



به‌طور کامل شناسایی نشده‌اند و مشخص نیست دقیقاً کدام اراضی می توانند برای توسعه مساحت سکونتگاهی استفاده شوند.

■ **شورای عالی شهر سازی و فقدان پاسخگویی**
نماینده مردم شاهین شهر تأکید کرد: شورای عالی شهر سازی و معماری، انحصار تصمیم گیری درباره محدوده‌های شهری و طرح‌های جامع و تفصیلی در شهر‌های بالای ۵۰ هزار نفر را در اختیار دارد. با وجود اثر گذاری این تصمیمات بر ترافیک، سبک زندگی، سایر ابعاد زندگی شهروندان، این شورا پاسخگویی مستقیمی در قبال پیامدها ندارد. اتخاذ سیاست‌های نامتناسب با نیاز کشور از سوی شورای عالی، یکی از عوامل اصلی گرانی و فقر مسکن و زمین در کشور است.

■ **ناتوانی در تأمین زیر ساخت و منابع مالی**
حاجی دلیگانی در ادامه گفت: دومین بهانه رایج برای عدم اجرای قانون، دشواری تأمین زیرساخت‌های اراضی جدید و محدودیت منابع مالی است. این در حالی است که سازمان ملی زمین و مسکن مالک ۸/۱ میلیون هکتار اراضی مرغوب واقع در محدوده و حریم شهرهاست؛ از این میزان، ۶/۱ میلیون هکتار در حریم شهرها و ۲۰۰ هزار هکتار در محدوده شهرها قرار دارد. از اراضی داخل محدوده، ۶۰ هزار هکتار کاربری مسکونی دارند. وی ادامه داد: اگر فقط همین اراضی دارای مجوز مسکونی با ارزش هر متر ۱۰ میلیون تومان محاسبه شود، حدود ۶ هزار همت ارزش دارند که می تواند منبعی غنی برای تأمین مالی زیرساخت‌ها باشد. بهره گیری از این دارایی‌ها، کوتاهی آشکار از سوی سازمان ملی زمین و مسکن است.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت شورای عالی شهر سازی و معماری، انحصار تصمیم گیری درباره محدوده‌های شهری و طرح‌های جامع و تفصیلی در شهر‌های بالای ۵۰ هزار نفر را در اختیار دارد. با وجود اثر گذاری این تصمیمات بر ترافیک، سبک زندگی، سایر ابعاد زندگی شهروندان، این شورا پاسخگویی مستقیمی در قبال پیامدها ندارد. اتخاذ سیاست‌های نامتناسب با نیاز کشور از سوی شورای عالی، یکی از عوامل اصلی گرانی مسکن و زمین در کشور است.

حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» درباره وضعیت اراضی ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم پیشرفت گفت: بر اساس این ماده، وزارت راه و شهر سازی موظف است طی پنج سال، ۳۳۰ هزار هکتار به مساحت سکونتگاهی کشور اضافه کند. این قانون با هدف پاسخگویی به نیاز‌های رو به افزایش مسکن و بهبود شرایط سکونتی جمعیت کشور به‌ویژه در شهر‌های بالای ۵۰ هزار نفر جمعیت، تصویب شده است.

■ **وضعیت موجود و فاصله با تکلیف قانونی**
حاجی دلیگانی افزود: طبق مصوبات شورای عالی شهر سازی و معماری، سهم سالانه شهر‌های بالای ۵۰ هزار نفر از افزایش مساحت سکونتگاهی کشور حدود ۴۰ هزار هکتار است. این سهم با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۵ محاسبه شده که نشان می دهد حدود ۴۸ میلیون نفر در شهر‌های بالای ۵۰ هزار نفر، ۱۱ میلیون نفر در شهر‌های کمتر از ۵۰ هزار نفر و ۲۱ میلیون نفر در روستاها زندگی می کنند. سهم شهر‌های بالای ۵۰ هزار نفر از برش سالانه افزایش مساحت سکونتگاهی که ۶۶ هزار هکتار برآورد می شود، حدود ۴۰ هزار هکتار است.

وی ادامه داد: با این حال، از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون تاکنون، کمتر از ۸ هزار هکتار به این مساحت اضافه شده که معادل حدود ۲۰ درصد تکلیف سالانه است.

■ **دستاورز کمبود زمین؛ ادعای غیر موجه**
حاجی دلیگانی در واکنش به ادعای کمبود زمین برای توسعه مسکن گفت: مساحت شهر‌ها و روستاها کمتر از ۸ درصد از کل مساحت کشور (حدود ۳/۱ میلیون هکتار) است. قانون برنامه هفتم فقط افزایش ۳۳۰ هزار هکتار را از مجموع ۱۶۵ میلیون هکتار مساحت کشور تکلیف کرده است. بر اساس پژوهش سازمان برنامه و بودجه، ۱۵ درصد از اراضی کشور (حدود ۲۵ میلیون هکتار) قابلیت شهر سازی دارند. بنابر این از منظر ظرفیت سرزمینی، کمبود زمین هیچ گونه توجیهی ندارد. وی با انتقاد از وزارت راه و شهر سازی و شورای عالی شهر سازی و معماری افزود: با گذشت بیش از یک سال از تصویب قانون، هنوز پهنه‌های دارای قابلیت شهر سازی

خاموشی‌های بهار و تابستان ریشه در زمستان دارد

راهکار ۱۰ میلیارد دلاری ناترازی گاز و برق



نگرانی عمومی به سمت «ناترازی برق» و خاموشی‌های طاقت فرسای تابستان معطوف شده است اما یک حقیقت کلیدی و تعیین کننده نادیده گرفته می شود. بحران برق امروز، به نوعی معلول بحرانی عمیق تر است که در زمستان‌ها نیز رخ می دهد؛ فاجعه ناترازی گاز. ریشه اصلی این مشکل در اتلاف عظیم گاز در بخش خانگی نهفته است؛ اتلافی که دومینوار، شبکه برق کشور را در تابستان فلج می کند.

■ ■ ■

■ **ناترازی گاز؛ اپیدمی خاموش اقتصاد**

برای درک بحران برق باید به چند مایل باز گردیم. بر اساس آمار‌های رسمی وزارت نفت، ایران در زمستان ۱۴۰۳ با کسری روزانه گاز به طور متوسط نزدیک به ۲۰۰ میلیون متر مکعب مواجه بود. این رقم معادل بلعیده شدن بیش از یک سوم کل گاز تولیدی کشور در فصل سرماست. این اعداد غول پیکر، تنها آمار نیستند، بلکه صورت حساب خسارت‌های کمر شکنی هستند که اقتصاد ملی پرداخت می کند:

جبران کسری با سوزاندن دلار: برای روشن نگه داشتن گرمایش خانه‌ها، دولت چاره‌ای جز قطع گاز نیروگاه‌ها و جایگزینی آن با سوخت‌های مایع گر قیمت و به شدت آلاینده مانند مازوت و گازوئیل ندارد. این سیاست اضطراری، یک عدم‌النفع مستقیم ۱۰ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۳ روی دست کشور گذاشت. این یعنی ما معادل یک بودجه عمرانی کشور را دود کرده و به هوا می فرستیم.

فلج کردن صنعت و صادرات: در زمستان، چرخ صنعت فولاد و پتروشیمی از حرکت باز می ایستند. این توقف تولید حدود ۷ میلیارد دلار به درآمدهای صادراتی کشور

لطمه می زند.

خانت به نسل‌های آینده: فاجعه‌بار تر از همه، توقف تقریباً کامل پروژه حیاتی «تزریق گاز به میدان نفتی» است. این اقدام که برای استحصال نفت بسیار ضروری است، ثروتی به ارزش حدودی ۸۱۵ میلیارد دلار را از دسترس نسل‌های آینده خارج می کند. این بزرگ ترین تاراج بین نسلی است.

■ **چگونه بحران گاز به بحران برق می انجامد؟**

پیوند این دو بحران، یک چرخه معیوب و ویرانگر است. وقتی در زمستان، نیروگاه‌های حرارتی (که ستون فقرات تولید برق کشور هستند) از سوخت اصلی خود محروم و مجبور به استفاده از سوخت جایگزین می شوند، دو اتفاق مریبار رخ می دهد:
۱. **استیضاک شدید و کاهش راندمان:** کار کردن با سوخت‌های جایگزینی مثل مازوت به تجهیزات نیروگاه‌ها آسیب جدی وارد می کند و راندمان آنها را به شدت کاهش می دهد.

۲. **عدم امکان تعمیرات اساسی (اورهال):** به دلیل نیاز مبرم شبکه به تولید برق حتی در زمستان، بسیاری از نیروگاه‌ها فرصت طلایی برای انجام تعمیرات و نگهداری دوره ای را از دست می دهند.

نتیجه این دومینو، کاملاً قابل پیش بینی است: نیروگاه‌هایی که زمستان را با فرسودگی و بدون تعمیرات سیری کرده‌اند با تمام توان وارد فصل اوج مصرف تابستان می شوند. این نیروگاه‌های خسته و ناکارآمد، توان تولید برق پایدار را ندارند و با کوچک ترین افزایشی در تقاضا مانند فصل بهار از مدار خارج می شوند. طبق بررسی‌های کارشناسی میانگین راندمان نیروگاه‌های حرارتی با مصرف گاز تا ۱۲ هزار ساعت است، اما با مصرف سوخت